

همسرگزینی در اندیشه دینی

<?xml encoding="UTF-8?">

چکیده

جهان بینی و نگرش های هر فرد، تأثیر مستقیمی در همسرگزینی دارد؛ چرا که معیارهای گزینش همسر، برخاسته از باورها، عقاید و خصوصیات شخصی و فردی است. از میان این باورها، اعتقاد یا عدم اعتقاد به دین، نقش مهمی را ایفا می کند که بر حسب آن ملاک های گزینش تغییر می یابد. نوشتار حاضر در راستای تبیین ملاک های گزینش همسر در جهان بینی اسلامی، ابتدا به بررسی این ملاک ها در جامعه شناسی خانواده پرداخته و سپس صفات و شرایط لازم همسر را از منظر متون دینی (قرآن و کلمات معصومین(ع)) بیان می کند. از این منظر، ایمان و باورهای دینی در حد مناسب، تقوا و دوری از گناهان، اخلاق نیک و سازگاری و سلامت جسمانی و روانی، صفات لازم برای یک همسر مناسب است. سایر ملاک ها، از جمله کفویت و جذابیت جسمانی به طور نسبی و متناسب با اوضاع و احوال زمانی و مکانی هر فرد و جامعه در نظر گرفته می شود.

واژگان کلیدی: همسان همسری، ایمان، اخلاق، جهان بینی، همسرگزینی، کفویت، زن.

باورها و اعتقادات هر فرد، مهمترین نقش را در همسرگزینی وی ایفا می کنند. چرا که این باورها ریشه در فرهنگ، مذهب و سنت جامعه ای دارد که شخص در آن پرورش یافته و با آن تعامل دارد و بر اساس همین باورهاست که الگوهای گزینش همسر در اندیشه افراد شکل گرفته و مبنای همسرگزینی آنان می شود. مجموعه این باورها و اعتقادات جهان بینی افراد را بر دو نوع (جهان بینی مادی و الهی) شکل می دهد. به عنوان نمونه، جهان بینی الهی بر حسب غایتی که برای انسان و حیات وی قایل است، اهدافی را برای ازدواج در نظر می گیرد که جهان بینی مادی فاقد آن است و مترتب بر این اهداف ملاک های گزینش نیز تغییر می یابند. از این رو، در این نوشتار، قبل از پرداختن به ملاک های گزینش همسر، تأثیر جهان بینی بر همسرگزینی بیان شده و سپس ملاک های گزینش در جامعه شناسی خانواده مطرح می شود. این ملاک ها در اندیشه اسلامی، تحت دو دسته کلی قرار می گیرند: ملاک های مطلق و لازم که بر حسب سنن، عرف و فرهنگ های مختلف تغییر نمی یابد و در همه زمان ها و مکان ها ثابت است و ملاک های نسبی که بر حسب شرایط و موقعیت های گوناگون، تغییر یافته و می توان میان آن ها اولویت قائل شد، پس از آگاهی و شناخت به این ملاک ها و اولویت بندی بین آن ها از جهت نظری، گام مهم دیگر، تشخیص این معیارها در فرد داوطلب ازدواج است که در این نوشتار به نحو بسیار اجمالی به آن پرداخته می شود.

تأثیر جهان بینی بر همسرگزینی

جهان بینی عبارت از تفسیر و برداشت کلی هر فرد از مجموعه هستی است. هستی شامل اموری مانند جهان مادی و ماورایی، هدف و غایت جهان، قوانین کلی حاکم بر آن، انسان و زندگی او می شود. هر فرد برخوردار از یک

جهان بینی است که ممکن است بر استدلال، تعقل و شواهد علمی یا مبانی و استدلال های ساده و عامیانه، مبتنی باشد. (رک. مطهری، 1378: ج3، ص 24)

از مجموع تعریف های مختلف برای جهان بینی (نک. مندلسون [1]، 1967: ج16، ص 577) می توان دو رکن اساسی برای آن در نظر گرفت: دید کلی فرد نسبت به هستی، از قبیل اعتقاد به خدا، موجودات ماورای طبیعت و دید فرد نسبت به انسان و جنبه های مختلف وجود او. هر چند انسان بخشی از هستی محسوب می شود، ولی در عرض آن مطرح است؛ زیرا در نزد انسان ها، محوری ترین موضوع هستی، همان طبیعت انسان است. شناخت هر فرد از هستی و ابعاد وجودی انسان، برگرفته از منابع حسی، علمی، عقلی و وحیانی است که این شناخت، در موقعیت های گوناگون و دوره های مختلف تاریخ، تحول یافته و عمیق تر شده است. باورهای دینی که در ارکان جهان بینی تأثیرگذار است، هستی و انسان را به گونه ای ویژه تفسیر می کند. ادیان الهی (در این بحث دین اسلام مورد نظر است) آفرینش جهان و انسان را هدفمند اعلام می کند. [2] در نتیجه، جهان بینی الهی، هستی را عین وابستگی به خداوند می داند که حرکت و تحولش نیز به سوی اوست. [3] در مقابل، نگاه مادی به هستی و انسان، در تفسیر حوادث هستی، ابعاد وجودی انسان و تحولات تاریخی و اجتماعی، تأثیر آشکاری دارد که کمترین لوازم آن، غفلت از خالق هستی، [4] هدف و نظام آن و باور به زندگی صرفاً دنیوی برای انسان است. (نک. جاثیه، 24؛ سباء، 7؛ یس، 78؛ دخان، 35) بر حسب جهان بینی نظام ارزشی هر فرد که خوب و بد یا باید و نبایدها در زندگی است، تعیین می شود. هر مکتب یا ایدئولوژی مبتنی بر جهان بینی خاصی است. (نک. مطهری، 1367: ص13)

روش و رفتار والدین و هم نظام آموزش و پرورش، مبتنی بر یک جهان بینی و یک نظام فکری در مورد انسان است. بیشتر انسان ها، به دینی الهی یا غیر آن باور دارند. هر دین مبتنی بر مجموعه ای از باورها، توصیه هایی برای زندگی خصوصی، اجتماعی و شغلی دارد. بسیاری از قوانین اقتصادی و حقوقی نیز بر نوعی جهان بینی، دینی یا غیردینی مبتنی است.

در این میان، ازدواج و روابط خانوادگی به عنوان بخش مهمی از فضای زندگی و مهمترین رابطه اجتماعی هر فرد دارای اهمیت بیشتری است. جهان بینی و نگرش های هر فرد، در نحوه ی ازدواج و روابط خانوادگی او تجلی می یابد. انتخاب همسر و نحوه ی رابطه با وی، شیوه ی اداره ی خانواده و روش حل مشکلات، همه متأثر از جهان بینی و نگرش های فرد است. هر نوع جهان بینی و نگرش، برای گزینش همسر، ملاک هایی ویژه دارد؛ هرچند در همه دنیا ملاک های مشترکی نیز برای همسرگزینی وجود دارد.

در این نوشتار، قبل از بیان ملاک های همسرگزینی در اندیشه اسلام، جهت روشن تر شدن بحث، در ابتدا این ملاک ها از دیدگاه جامعه شناسی مطرح می شود.

ملاک های گزینش همسر

فرآیند همسرگزینی، در گذشته کمتر در اختیار دختر و پسری بود که قصد ازدواج داشتند. معمولاً بزرگترها به ویژه والدین، بیشترین نقش را در ازدواج فرزندان ایفا می کردند. دلیل این امر، شاید ازدواج در سن کم به ویژه در مورد دختران بود. به علاوه، ویژگی های خانواده گسترده و وابستگی زوجین جوان به خانواده موجب می شد که تصمیم گیری اصلی، بر عهده خانواده ی دختر و پسر در آستانه ازدواج باشد. اما امروزه، به تدریج، خواست دختر و پسر، در امری که بزرگترین اقدام در تعیین سرنوشتشان محسوب می شود، عامل اساسی شده است. اختیارات و

آزادی های فردی دختر و پسر، در گزینش همسر فزونی یافته است. با این وجود، آنان در انتخاب شریک زندگی باید قواعد پیچیده و دقیقی را رعایت کنند و در این میان نقش والدین هنوز برجسته است. دختر و پسر، باید در فرآیندی که هم عواطف و هم شناخت نقش بسزایی در آن دارد؛ به انتخاب شریک زندگی بپردازند.

ملاک های گزینش همسر از دیدگاه جامعه شناسی خانواده

در بررسی ملاک های همسرگزینی در حوزه جامعه شناسی خانواده، پنج گونه ملاک کلی مطرح گردیده است: جسمانی، روان شناختی، اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی. (نک. ساروخانی، 1370: صص 33-38)

الف) جسمانی

ملاک های جسمانی شامل موارد ذیل می شود:

سلامت ظاهری و جسمانی فرد؛

تفاوت سنی (نک. صدیق اورعی، 1374: صص 99-91)؛

زیبایی چهره و اندام؛ با وجود تعالیم خردمندانه ی بیشتر فرهنگ ها، مبنی بر اهمیت خصائل درونی، واکنش بیش تر افراد بر اساس زیبایی چهره و ظاهر خوشایند صورت می گیرد. البته بررسی ها نشان می دهد که مردان بیش تر از زنان تحت تأثیر زیبایی ظاهری قرار می گیرند. (رک. آذربایجانی، 1382: ص 250)

توانایی باروری نیز ملاک جسمانی دیگری است که در گذشته در مورد زنان بیشتر مورد توجه بود؛ ولی در حال حاضر، باروری مردان نیز به عنوان یک ملاک مهم محسوب می شود.

رنگ پوست و به عبارت دقیق تر نژاد، ویژگی جسمانی است که در گزینش همسر چنان حائز اهمیت است که برخی گمان کرده اند، همسان همسری نژادی، پدیده ای غریزی است. در هر صورت گرایش انسان ها به این پدیده قابل انکار نیست. (رک. ساروخانی، 1370: صص 52-51)

ب) روان شناختی

دومین دسته از ملاک ها، به صفات روان شناختی افراد مربوط است که به بعضی از آن ها اشاره می شود: هوشمندی و همگونی زن و شوهر؛ تحقیقات در مورد رابطه هوشمندی همسران و سعادت خانوادگی نشان می دهد که اگر زن یا مرد، شریک زندگی خود را کم هوش تر از خود بداند، میزان رضایت زناشویی در این خانواده ها کمتر خواهد بود. (همان، صص 64-63)

تحصیلات؛ در عصر حاضر، این ملاک، اهمیت ویژه ای یافته است. فزونی ازدواج های دانشجویی، شاهدی بر اهمیت تحصیلات در انتخاب همسر است.

تشابه در نگرش ها؛ این مهم، عامل ویژه ای برای جذب افراد به یکدیگر است. (نک. آذربایجانی، 1382: صص 256-257)

عواطف و شخصیت؛ برای نمونه، اقتدار در مرد و در مقابل همراهی و پذیرش در زن، به نوع عواطف آن ها باز می گردد.

ملاک های رفتاری و اخلاقی؛ صفات اخلاقی مناسب، می تواند به عنوان یکی از شرایط لازم به حساب آید. نظرسنجی ها نشان می دهد که صفاتی مانند اخلاق و رفتار خوب، نجابت، صداقت و گذشت، از نظر بیش از نیمی

افراد، مهمترین خصوصیت یک مرد یا زن خوب برای ازدواج به حساب می آید. (رک. ارزش ها و نگرش های ایرانیان، 1381: صص 38-39) از آن جا که رفتار، یکی از مهمترین ابعاد روان شناختی افراد محسوب می شود و صفات اخلاقی نیز در رگه های شخصیت جای می گیرد، این دو بعد را می توان در ضمن ملاک های روان شناختی در نظر گرفت.

ج) اقتصادی

توانایی اداره خانواده، نوع شغل، میزان ثروت و درآمد بالا در مرد و کم هزینه بودن، توانایی کافی برای انجام کار و اداره ی خانه در زن، خصوصیات است که برای زن و مرد در آستانه ی ازدواج در نظر گرفته می شود. (همان)

د) اجتماعی

نوع فرهنگ، طبقه اجتماعی، قومیت، ملیت، دین و مذهب، به جنبه های اجتماعی هویت هر فرد باز می گردد. در همه ی دنیا، اعتقادات دینی از مهمترین عوامل مؤثر بر گزینش همسر است. به طوری که در بین یهودیان، بیش از 98 درصد ازدواج ها و بعد از آن کاتولیک ها، 93 درصد ازدواج ها و سپس پروتستان ها بیش از 74 درصد ازدواج ها، درون دینی است. همسانی طبقات اجتماعی نیز، ملاک مهمی برای ازدواج هاست؛ هرچند در سال های اخیر، ازدواج های مختلط از طبقات اجتماعی متفاوت رو به افزایش نهاده است. (ساروخانی، 1370: ص 62)

ه) خانوادگی

این ملاک به مسائلی مانند ازدواج با خویشاوند یا بیگانه، وضعیت خانوادگی فرد، مانند پدر و مادر و خواهر و برادر و نظر مثبت یا منفی خانواده در مورد یک فرد باز می گردد.

قاعده همسان همسری

صرف نظر از توجه به ملاک های گزینش همسر مناسب، به طور کلی، انتخاب همسان، به عنوان یک قاعده ی جهانی همسرگزینی پذیرفته شده است. تشابه و همسانی همسران در مکان زندگی و تولد، طبقه ی اجتماعی، صفات اخلاقی و ویژگی های روان شناختی، مذهب و دین، سن و سال و ویژگی های فرهنگی و نژادی، مورد تأکید بیشتر محققان قرار گرفته است. (ساروخانی، 1370: ص 58)

در تبیین روان شناختی این قاعده می توان گفت که در مرتبه ی نخست، تشابه موجب جذب افراد به یکدیگر، به سبب برانگیخته شدن عواطف مثبت آنان است. تعمیم گسترده ی پیوستگی مشابَهت و جاذبه در مطالعه ی افراد، گروه های سنی متفاوت، سطوح اقتصادی اجتماعی متفاوت و فرهنگ های مختلف ثابت شده است. در مرتبه ی دوم، تشابه بیشتر، موجب سازگاری بیشتر است. هرچه توافق میان دو نفر بیشتر باشد، آنان بیشتر به همدیگر علاقه مند خواهند شد. هنگام بروز اختلاف که در واقع ناشی از تفاوت هاست، طرفین می کوشند با تغییر وضعیت روانی خود، به تشابه و توافق نائل گردند. (رک. آذربایجانی، 1382: صص 256-261) تحقیقات نشان می دهد، همسانی به استمرار و استحکام پیوند نیز کمک می کند و نیز در مقابل، بررسی علل اختلافات زناشویی نشان می دهد که زوجین نوعی عدم تشابه در خصلت های مختلف از خود بروز می دهند. مطالعه ی

درجه ی رضایت خانواده ها نیز، به همین نتایج منجر شده است. (رک. ساروخانی، 1370: صص 68-69)

ملاک های گزینش همسر از دیدگاه اسلام

در تعالیم اسلام، هرچند برای نقش و اهمیت ملاک های فوق، توصیه هایی ارائه شده است ولیکن در مجموع آن ها پذیرفته شده و همچنین بر ملاک های دیگری نیز تأکید شده است. صفات مناسب برای همسر(زن)، بر اساس تعالیم اسلام به عبارت ذیل است:

(الف) صفات جسمانی؛ مانند سلامت، فرزندآوری [5]، دوشیزه بودن [6] و زیبایی های ظاهری مانند زیبایی چهره [7]، اندام [8] و موها [9]. البته رنگ پوست و نژاد به عنوان یک ملاک غالب و مسلط برای همسر مناسب، از نظر اسلام در نظر گرفته نشده است. [10]

(ب) صفات روان شناختی؛ از قبیل هوشمندی در حد مناسب [11]، صفات اخلاقی، حالات و رفتارهای مناسب مانند فروتنی در برابر همسر [12]، سهل گیری و نرم خویی [13]، امانت داری [14]، سپاسگزاری از همسر [15]، مهربانی و عشق به همسر و فرزندان [16]، تسلیم و همراهی در روابط جنسی [17]، صبر و بردباری در مشکلات می باشد. (سیوطی، 1404ق: ج 1، ص 152)

(ج) توانایی ها و ابعاد اقتصادی؛ مانند مهارت های ویژه در اداره خانه، کم بودن مهریه [18]، هزینه ازدواج و سایر مخارج شخصی [19] و یاری کردن مرد در مسائل زندگی [20].

(د) صفات دینی؛ که در اعتقاد به اموری مانند ایمان به خداوند و زندگی پس از مرگ [21]، دینداری [22]، تکیه و توکل بر خداوند در مشکلات زندگی باز می گردد. توصیه همسر به صبر [23]، تقوا و دوری از گناهان [24]، رعایت عفاف و پوشش شرعی [25] و دوستی و پیروی اولیای دین (ع) [26]، برخی نموده های عاطفی و رفتاری دینداری است.

(ه) شرایط اجتماعی و فرهنگی؛ که در این امور غالباً تشابه زوجین مورد نظر است. در برخی روایات توصیه شده است که با زنان برخی مناطق و اقوام ازدواج نکنید. (رک. حرعاملی، 1991: ج 14، ص 54) این روایات را می توان نوعی تأکید بر همسانی فرهنگی زن و شوهر دانست. تبیین دقیق تر آن است که این روایات به شرایط اجتماعی و فرهنگی مناطق فوق اشاره دارد که اخلاق و رفتارهای نامناسبی [27] را پرورش می دهد. در غیر این صورت، بر اساس تعالیم اسلام صرف زندگی در یک منطقه خاص یا تعلق به قومیت و ملیتی خاص، موجب برتری یا کفتری فرد نمی شود؛ بلکه پدیداری اقوام و نژادها، برای معارفه بیشتر انسان هاست. (حجرات، 13)

(و) ملاک های خانوادگی؛ خویشاوندی می تواند به عنوان یک ملاک مناسب برای همسرگزینی قرار گیرد؛ [28] هرچند در برخی روایات، به اثر احتمالی و نامناسب چنین ازدواجی، اشاره شده است. [29] بنابراین، این ملاک نسبی است و انجام گرفتن چنین ازدواجی باید منوط به تحقق دیگر شرایط باشد. تعالیم اسلام بر مناسب بودن خانواده ی همسر بسیار تأکید دارد و اثرات خانواده ی زن و شوهر را بر فرزندان به عنوان یک رکن مهم در تربیت و پرورش آن ها در نظر می گیرد. [30] ازدواج با فردی که خود ویژگی های مناسبی دارد ولی اعضای خانواده او از صفات اخلاقی، باورهای دینی و رفتارهای مناسب برخوردار نیستند، به نحو آشکار نهی شده است. [31] تأثیر خانواده بر فرزندان چه از بعد وراثت و چه تربیت، مهمترین عامل شکل گیری شخصیت آن هاست. [32] از این رو، هرچند فرد می تواند با اراده و پشتکار تا حدودی بر این عوامل غلبه کند، ولی به علت اثرات عمیق و شدید این عوامل، اولیای دین (ع) به نحو موکد توصیه می کنند که وضعیت خانوادگی فرد، به عنوان یک ملاک مهم در نظر

گرفته شود. علاوه بر این، نحوه ی برخورد خانواده دختر با وی و برخورداری او از احترام و عزتمندی مناسب در میان اعضای خانواده، می تواند نشانه ای بر رفتار و صفات مناسب فرد باشد. [33]

ملاک های گزینش مرد

تعالیم اسلام برای گزینش یک مرد به عنوان همسر مناسب، علاوه بر ملاک های فوق، بر نکات دیگری نیز تأکید دارد که شامل موارد ذیل می شود:

- باورهای دینی مستحکم؛ به علت تأثیر بیشتر مرد بر زن در زندگی خانوادگی، برخورداری او از باورهای دینی و مذهبی مستحکم، بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است. [34]
- حسن خلق؛ اولیای دین (ع)، حسن خلق را به عنوان یک ملاک اساسی در مرد اعلام نموده و به طور آشکار توصیه می کنند که در صورت بداخلاقی فرد، ازدواج با وی صورت نگیرد. [35]
- تقوا و پرهیز از گناه [36]؛ دوری از گناهانی مانند روابط نامشروع جنسی [37] و شراب خواری [38]، از ملاک های اساسی یک همسر مناسب است.
- توانایی مرد در اداره خانواده [39]؛ اولیای دین (ع) توجه به ثروت و طبقه اجتماعی و اقتصادی بالاتر را صریحاً نهی کرده اند. [40]
- گشاده دستی و دوری از بخل [41]؛
- روابط مناسب با والدین [42]؛ بدیهی است کسی که نتواند والدین خود را که بالاترین خدمت و فداکاری را در حق او انجام داده اند، خشنود سازد، در برقراری رابطه با همسر و فرزندان نیز مشکل خواهد داشت.

کفویت

تعالیم اسلام در گزینش همسر، بر اصل کفو به معنای همتایی و همانندی تأکید دارد. به عبارت دیگر، بهتر است زن و مرد در ویژگی های مناسب برای ازدواج، مشابه و تقریباً همتا [43] باشند. کفویت که مورد تأکید اولیای دین (ع) قرار گرفته، با قاعده همسان همسری قابل تطبیق است. البته این همسانی بیشتر در مورد ایمان تأکید شده و زن و مرد را به سبب ایمان، همتای هم دانسته اند [44] و ملاک های قومی، طبقاتی و اقتصادی را در همتایی در نظر نمی گیرند. [45] بنابراین، در کنار برخورداری فرد از ویژگی های مناسب، همتایی زن و مرد یک ملاک مهم برای گزینش همسر است. پس از همانندی و تشابه زن و مرد در اصل ایمان و باورهای دینی، تشابه مراتب ایمان و ویژگی های اخلاقی، نیز باید مورد توجه قرار گیرد. این که گفته شده اگر حضرت علی (ع) نبود، همتا و همانندی برای ازدواج با حضرت زهرا (س) در میان انسان ها یافت نمی شد، [46] اشاره به همانندی در مراتب ایمان و اخلاق دارد. در تعبیری دیگر آمده است که برخی از مؤمنان، همتا و همسان هم هستند. [47] از این رو، صرف ایمان باعث همتایی دو نفر نمی شود و باید مراتب ایمان و ویژگی های اخلاقی را نیز در نظر گرفت. تصریح قرآن به تعلق افراد پاک و وارسته به افراد پاک [48]، دلیل دیگری بر همتایی زن و مرد در تقوا، دوری از گناهان و دینداری است. (طباطبایی، 1374: ج15، ص115)

اولویت بندی ملاک های مختلف

پس از بررسی ملاک های همسر مناسب، میزان اهمیت و نقش آن ها در گزینش همسر نیز باید بررسی شود.

آنچه در مورد ملاک های همسر مناسب بیان شد، به صورت فهرستی از ملاک ها بود ولی نقش آن ها و اولویت بندی بین ملاک ها از جهت نظری نیز باید در نظر گرفته شود. پس از آن باید در مقام عمل و گزینش مصادیق، شرایط هر فرد واقتضائات محیط اجتماعی در نظر گرفته شود؛ زیرا معمولاً افراد از همه ی ویژگی های مناسب یا از حد مناسبی از آن ها برخوردار نیستند. در این موقعیت، فرد دچار تعارض و مشکل در تصمیم گیری می شود. ملاک های نظری که مطرح گردید، در یک مرتبه نیستند، بعضی از آن ها در همه شرایط و در هر زمان و مکان جاری و برخورداری از آن ها ضروری است که به آن ها ملاک های مطلق گویند و دیگر ملاک ها بر حسب شرایط زمانی و مکانی قابل تغییر و بازنگری است که به آن ها ملاک های نسبی گویند.

الف) ملاک های مطلق

1) ایمان

ایمان و باورهای دینی صحیح و در حد مناسب مهمترین ویژگی لازم برای همسر محسوب می شود. این شرط اساسی ترین ملاک مطلق است که در همه شرایط زمانی و مکانی، برای یک همسر مناسب ضروری می باشد. بنابراین، اگر فردی از ایمان و باورهای دینی در حد مناسب برخوردار نباشد، فاقد شرایط محسوب می شود؛ هرچند ویژگی های دیگر را در حد مناسب دارا باشد. کلمات اولیای دین (ع) [49] و آیات قرآن [50]، بر مطلق بودن شرط ایمان تصریح دارد: «زنان مشرک را تا ایمان نیاورده اند، به زنی مگیرید و کنیز مؤمن بهتر از آزاد زن مشرک است. هرچند زیبایی او شما را به شگفت آورد و به مردان مشرک تا ایمان نیاورده اند، زن مؤمن ندهید و برده ی مؤمن بهتر از مرد آزاد مشرک است. هرچند شما را به شگفت آورد، آنان شما را به سوی آتش فرا می خوانند...» (بقره، 221)

بر اساس مضمون این آیه، ازدواج با افراد بی ایمان، فرد را از سعادت اخروی باز می دارد. بنابراین، چنین ازدواجی نباید صورت گیرد. نکته مهم در آیه مذکور آن است که حتی اگر با فردی از پایین ترین طبقات اجتماعی یعنی بردگان که نه تنها هیچ دارایی ندارند بلکه خود متعلق به فرد دیگری هستند، ازدواج صورت پذیرد، بهتر است تا با فرد آزادی که ایمان و باورهای دینی مستحکمی ندارد. امام باقر (ع) فرمود: «سزاوار نیست، مسلمان با غیر مسلمان ازدواج کند» ایشان حرمت این عمل را به آیه «و لا تمسکوا بعصم الکوافر»، استناد دادند. (کلینی، 1992: ج5، ص358) صاحب نظران علوم اسلامی نیز بر اساس ادلة فوق، ایمان و باور دینی را شرط لازم برای همسر می دانند. (نجفی، 1362: ج30، ص93) ایمان و باورهای دینی، به عنوان یک نگرش اصلی و محوری به طور مستقیم و غیر مستقیم بر همه ی ابعاد شخصیت فرد، مانند هدف زندگی، ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زندگی، دیدگاه های فرد نسبت به شغل، ازدواج، تحصیل و حتی جنبه های جزئی تری، از قبیل تفریحات، علائق و ترجیحات رفتاری در زندگی اثرگذار است. (آذربایجانی، 1382: ص162) به جهات فوق تعالیم اسلام بر ملاک ایمان، بیشترین تأکید را دارد.

علاوه بر ایمان، تقوا نیز یکی از شرایط لازم و ضروری، جهت انتخاب همسر محسوب می شود. برخورداری از تقوا [51] در حدی است که همسر از گناهای مانند زنا [52] و شرابخواری [53] دوری کرده و به طور علنی و آشکار مرتکب گناه نشود. [54] این ملاک نیز مطلق محسوب می شود و در صورتی که روشن شود، فرد مورد نظر فاقد چنین تقوایی است، انتخاب وی انتخاب مناسبی نخواهد بود.

مقصود از حسن خلق، رفتارها و تعامل های مناسب در زندگی، سازگاری و مدارا با افراد است. [55] اساس زندگی زناشویی، سازگاری، تفاهم و همکاری است که این امور فقط در پرتو حسن خلق فراهم می شود. [56] حسن خلق نیز به عنوان یک شرط لازم و ملاک مطلق برای همسر مناسب است که در همه شرایط زمانی و مکانی باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، اگر فردی از حسن خلق در حد مناسب برخوردار نباشد، فاقد شرایط لازم محسوب می شود. به همین جهت، اولیای دین (ع)، صریحاً از ازدواج با افراد بدخلق را نهی کرده اند. (حر عاملی، 1391م: ج14، ص54)

قابل توجه است که اگر در موقعیتی پس از ازدواج روشن شود که زن یا مرد ناسازگار و بدخلق است، نحوه برخورد با موضوع، متفاوت از مرحله ی گزینش همسر است. در این شرایط، اگر بدخلقی به ناسازگاری شدید بین زن و مرد منجر شود، ادامه ی چنین زندگی مناسب نیست. [57] اما اگر بدخلقی در حد پایین تر و در برخی شرایط، روی دهد، صبر و مدارا و ادامه ی زندگی خانوادگی، بهترین شیوه مواجهه با مشکل است. روایاتی که به ثواب صبر و تحمل مرد یا زن در برابر بدخلقی همسر اشاره کرده است، [58] نیز مربوط به چنین شرایطی است. در غیر این صورت، اگر از ابتدا روشن شود که فردی بدخلق است، دست کم چنین ازدواجی به دلیل عدم برخورداری یکی از شرایط لازم همسر، مناسب نیست. همچنین به دلیل این که حسن خلق یکی از ارکان مهم ایمان است [59]، بداخلاقی فرد نشانه ای از ضعف ایمان او نیز محسوب می شود و درجات ایمان افراد به حسن خلق آن ها مربوط می شود. [60] حسن خلق در خانواده نیز از ملاک های دینداری و کمال افراد محسوب می شود. [61] بنابراین، بداخلاقی موجب می شود، فرد در ویژگی ایمان نیز ناقص باشد.

(3) سلامت جسمانی و روانی

اگر فرد به بیماری جسمی لاعلاج یا بیماری روانی شدید دچار باشد، گزینش وی به عنوان همسر، مناسب نیست؛ زیرا چنین ازدواجی کارکردها و اهداف مورد نظر را تأمین نخواهد کرد. به همین جهت فقها در مواردی از نقصان جسمانی و روانی، ازدواج را فسخ شده اعلام می کنند. [62]

لازم به تذکر است که پس از آگاهی از برخورداری فرد از ایمان، تقوا و حسن خلق در حد مطلوب، رد کردن ازدواج بدون دلیل عرفی یا عقلی موّجه، ممکن است موجب بروز مشکلات اخلاقی در بعد فردی و اجتماعی شود. به همین جهت در کلمات اولیای دین (ع) آمده است: «وقتی خواستگاری پیدا شد که اخلاق و دینداری او را می پسندید، زمینه ازدواج با وی را فراهم کنید؛ در غیر این صورت فتنه و فساد بزرگ زمین را فرا خواهد گرفت. [63]»

(ب) ملاک های نسبی

به غیر از این چهار صفت، سایر ملاک های اعلام شده، نسبی محسوب می شود. بدین معنا که با توجه به سایر ملاک ها، بود و نبود یا ضعف و قوتشان و موقعیت های زمانی و مکانی مختلف باید، آن ها را در نظر گرفت. ملاک هایی که در گزینش همسر به طور نسبی باید در نظر گرفته شوند، عبارتند از:

(1) زیبایی و جذابیت ظاهری

زیبایی یکی از ملاک های مهم در پیوند ازدواج و استمرار آن است. حصول میل و علاقه متقابل و برطرف شدن نیازهای جنسی، مبتنی بر احساس زیبایی زن و مرد نسبت به یکدیگر است. جذابیت و کشش زیبایی، یک خصوصیت طبیعی است که در متون اسلامی شواهدی بر آن وجود دارد: «خداوند زیباست، زیبایی را دوست دارد...» [64] و «خوبی را نزد خوبرویان بجوئید، زیرا اعمال و رفتار آنان برای نیکویی شایسته تر است.» [65] اگر در ازدواج میل و علاقه وجود نداشته باشد، زمینه نارضایتی خانوادگی از ابتدا فراهم می شود. به همین جهت، علاقه و میل فردی که قصد ازدواج دارد، بسیار حائز اهمیت است و حتی بر میل و نظر والدین ترجیح دارد. [66] تأکید اولیای دین (ع) بر این پدیده روان شناختی یعنی گرایش عاطفی به طرف مقابل در زن [67] و مرد [68] در راستای تأمین اهداف مهم ازدواج از قبیل، حصول دوستی و عواطف شدید [69] بین زن و مرد و حمایت روانی [70] آن ها از یکدیگر است. بنابراین، توجه به زیبایی و جذابیت ظاهری، زمینه اساسی میل و علاقه ی دو طرف به یکدیگر را که ملاک مهم دیگری برای گزینش همسر است، فراهم می سازد. به همین جهت، بر اساس تعالیم اسلام، نگاه به چهره و اندام فرد مورد نظر، برای ازدواج در صورتی که قصد لذتی در آن نباشد، نه تنها مجاز شناخته شده [71] بلکه مورد تأکید قرار گرفته است؛ [72] زیرا این امر، زمینه استمرار عواطف مثبت بین زن و شوهر را فراهم می سازد. [73] نکته حائز توجه آن است که زیبایی و جذابیت مرد یا زن، باید نسبت به یکدیگر در نظر گرفته شود؛ زیرا زیبایی یک امر نسبی است و وابسته به سلیق اشخاص؛ از این رو، بهتر است زن و مرد در نظر یکدیگر از جاذبیت لازم برخوردار باشند، هرچند در نظر افراد دیگر، زیبا به نظر نرسند.

(2) فرزند آوری

از دیدگاه اسلام هرچند جذابیت ظاهری حائز اهمیت است لیکن برخی ملاک های دیگر مانند دینداری و فرزندآوری بر آن ترجیح دارد. بنابراین، اگر معلوم شود که فردی فرزندآور نیست، هرچند زیبا باشد، از شرایط قابل قبول برخوردار نخواهد بود. [74] همچنین اگر کسی فقط با تأکید و توجه به زیبایی فردی با او ازدواج کند، ممکن است نه تنها از زیبایی بلکه از صفات دیگری مانند دینداری وی محروم شود. [75] فرزند آوری به عنوان یک ملاک مهم در ازدواج، نقص در جذابیت ظاهری را جبران می کند؛ [76] در حالی که در صورت نقص در فرزندآوری، فرد از شرایط لازم برخوردار نیست؛ هرچند دارای جذابیت ظاهری و کمال دینی باشد. [77] توجه صرف به ثروت نیز فرد را از جنبه های دیگر محروم می کند؛ در حالی که اگر تزویج بر اساس دینداری صورت پذیرد، زیبایی و ثروت نیز از جانب خداوند تأمین خواهد شد. [78] از آن جا که یکی از اهداف مهم ازدواج، تولید و پرورش فرزند است و از نیاز مهم روانی انسان ها تعلق و پیوستگی خصوصاً با فرزند است. (رک. مزلو، 1367: ص79) فرزندآوری به عنوان یک ویژگی مهم همسر مناسب در نظر گرفته شده است. البته در موارد نادری، پیش از ازدواج، می توان ناباروری مرد یا زن را تشخیص داد.

(3) کفویت

کفویت مشابه مفهوم همسان همسری در جامعه شناسی خانواده است. همچنان که همسان همسری دارای جنبه های متعدد است، مفهوم کفو نیز امری نسبی است و دارای مراتب متعدد است. بنابراین باید همتایی دو نفر، در جمع بندی همه ملاک ها در نظر گرفته شود. ممکن است فردی نسبت به همسرش در جنبه هایی بالاتر باشد، در حالی که همسر وی در جنبه های دیگری از او بالاتر است. در این رابطه به بعضی از کلمات اولیای دین

(ع) اشاره می شود:

همتا و هم شأن به این است که فرد پاکدامن باشد و زندگی با او همراه با آسایش باشد. [79]

فردی در نامه ای به امام جواد (ع) اعلام می کند که من مثل و همانندی برای ازدواج با دخترانم نیافته ام. امام جواد(ع) در جواب او می فرماید که در مورد نیافتن مثل و مانند، فکر و توجه زیاد نکند بلکه اگر از اخلاق و دینداری خواستگاران رضایت داشت، دختران را به همسری آنان درآورد وگرنه فتنه و فساد بزرگ در زمین ایجاد می شود. (همان، ص373)

امام رضا(ع) نیز می فرماید: «اگر ما می خواستیم اعضای خانواده خود را به افرادی که کاملاً همتا و هم شأن ما باشند، همسر دهیم، بدون همسر می ماندند...». (همان، ج75، ص 367) از مجموع این سه روایت روشن می شود که همتایی در ازدواج امری نسبی است و لازم است در برخی شرایط زمانی و مکانی از آن صرف نظر شود. از این رو، اگر فرد داوطلب ازدواج، از ملاک های مطلق، از قبیل اخلاق و سلامت روان برخوردار بود، مناسب نیست که اصل ازدواج را به عنوان یک سنت مهم پیامبران الهی، به دلیل فراهم نبودن شخص همانند ترک نمود. از این جهت، با وجود این که همسران ائمه(ع) و پیامبر(ص) همتا و کفو آن ها نبودند، این امر باعث نشد که ائمه اطهار(ع) از ازدواج با آن ها خودداری کنند. (نک. قمی، 1370: ج1؛ 2)

به نظر می رسد، جمله ای که در مورد حضرت فاطمه(ع) گفته شده است که اگر حضرت علی(ع) نبود، همتا و همانندی برای ازدواج با حضرت زهرا(س)، در میان انسان ها یافت نمی شد، اشاره به این واقعیت دارد که غیر از علی(ع) کسی همتای ایشان نبود. (حر عاملی، 1991م: ج14، ص49) و ممکن بود در غیر این صورت ازدواج ایشان مانند ازدواج بسیاری از فرزندان ائمه (ع) با همتای خود نباشد. بنابراین نمی توان گفت که ایشان به دلیل نبودن کفو و همتا، ازدواج نمی کرد. البته، لازم به ذکر است که خاندان پیامبر(ص) و معصومان دارای اختصاصاتی از جمله در ازدواج می باشند [80] که در این موارد نمی توان ایشان را با انسان های دیگر و شرایط عادی و طبیعی مقایسه کرد. در مقام تفسیر حدیث مذکور، دو تفسیر دیگر نیز بیان شده است که هر دو قابل نقض هستند: الف) «از آن جا که مرد بر زن استیلا دارد و از طرف دیگر غیرمعصوم بر معصوم استیلا ندارد»، لذا حضرت زهرا (ع) نمی توانستند با غیرمعصوم ازدواج کنند. بنابراین، تنها گزینه ایشان برای ازدواج حضرت علی(ع) بود. این تبیین مورد تردید است؛ زیرا استیلا و به تعبیری قوامیت مرد بر زن در خانواده، در محدوده ی وظایف خانوادگی است نه در همه ابعاد و رفتارهای زندگی. بنابراین اشکالی ندارد که زن معصومی به همسری مرد غیرمعصوم درآید. با این وجود به وظایف دینی و شرعی خود عمل کند. آسیه یکی از زنان الگو برای اهل ایمان بود که دعا کرد خداوند خانه ای در بهشت برای او بنا کند و او را از دست فرعون و رفتارهایش نجات دهد (رک. تحریم، 11). به همین جهت، زن معصوم می تواند به همسری غیرمعصوم درآید و در شرایطی ویژه نیز شهادت در راه خدا را برگزیند و هیچ گاه دست به رفتار خلافی نزند.

ب) «فلسفه ازدواج حضرت زهرا (س)، ایجاد پاک ترین نسل بود و به همین جهت باید با بهترین فرد ازدواج می کرد تا والاترین فرزندان تربیت شوند.»

در نقد این بیان قابل ذکر است که به طور قطع مقام حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (ع) از مقام فرزندانشان بالاتر است؛ با این وجود والدین حضرت علی (ع) و مادر حضرت زهرا (س)، به ظاهر معصوم نبودند، هرچند از مقام بسیار والایی برخوردار بودند. همچنین والدین پیامبر (ص) که بزرگ ترین شخصیت عالم انسانی می باشد، معصوم نبودند. علاوه بر این، مادران همه ائمه (ع) به استثنای امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در ظاهر

معصوم نبودند، ولی شخصیت بسیار والای آن‌ها، برای ایجاد نسلی پاک که به مقام ولایت، حجیت و انسان کامل رسیده‌اند، کافی بود. بنابراین، ایجاد نسل پاک، مشروط به صفت عصمت، به ویژه آن‌چه در چهارده معصوم (علیهم السلام) بود، نمی‌باشد. به همین جهت تبیین دوم نیز مورد تردید است یا دست کم قابل اثبات نیست و نقض‌هایی بر آن وارد می‌شود.

در هر صورت، همان‌گونه که گفته شد، معصومان (ع) اختصاصاتی از جمله در ازدواج دارند، ولی سنت و سیره همه آن بزرگان انجام ازدواج بود. از این رو، اظهارنظر در مورد ازدواج حضرت زهرا (ع) باید با تأمل بیشتری صورت گیرد. شاهد بر این امر، کلامی از رسول خدا (ص) است که فرمود: «من در میان شما و مانند شما ازدواج می‌کنم ولی ازدواج فاطمه (ع)، امری الهی است و مطابق دستور از آسمان انجام شده است.» (حر عاملی، 1991م: ج 14، ص 49، ح 5)

به همین جهت، طبق روایات وقتی زنی به بهانه رشد معنوی از ازدواج سربازمی‌زند، امام صادق (ع) به او می‌فرماید: «دست از این شیوه بردار، زیرا اگر قرار بود کسی به این عذر، ازدواج نکند، زنی اولی‌تر از حضرت زهرا(س) نبود.» (همان، ص 117، باب 84) همچنین رسول خدا (ص) زنان را از این که به دلیل امور معنوی (که شاید مهم‌ترین توجیه باشد) از ازدواج سرباززنند، نهی نموده است. (همان)

در مجموع بر اساس تعالیم اسلام و برخی آیات قرآن کریم، [81] اصل حاکم، انجام ازدواج در صورت تحقق شرایط لازم مانند ایمان است و نبود سایر ویژگی‌ها نباید مانع انجام ازدواج شود. [82]

همسانی زن و مرد در امور فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هرچند به سازگاری بیشتر آنان کمک می‌کند ولی نمی‌توان این امر را به عنوان ملاک لازم و قطعی در همه شرایط زمانی و مکانی برای همسر مناسب در نظر گرفت. آیات قرآن، [83] کلمات معصومان [84] (ع) و سیره ی عملی اولیای دین (ع) در ازدواج [85]، حاکی از این امر است که این ملاک نمی‌تواند جهت ترجیح افراد بکار رود. به عنوان نمونه، وقتی امام سجاده (ع) با زنی از بنی شیبان ازدواج می‌کند، یکی از اصحاب، به جهت تعلق زن به آن قبیله و ناشناس نبودنش اظهار خرسندی می‌کند. امام (ع) به او می‌فرماید: «تو را صاحب نظرتر از این حساب می‌کردم. خداوند به وسیله اسلام، پایین را بالا برد، ناقص را کامل کرد و افراد پایین جامعه را کرامت بخشید. مسلمان پست نیست. پستی، پستی جاهلیت است.» (همان، ص 372) و «پیامبر(ص)، سیاه فقیر را به تزویج زن قریشی بسیار ثروتمند درآورد و فرمود: «من برای آسان شدن ازدواج‌ها چنین کردم. شیوه عمل رسول خدا(ص) را سنت و رسم خودتان قرار دهید و بدانید که گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست...» (مجلسی، 1983م: ج 22، صص 437؛ 265)

تشابه زن و مرد در امور روان‌شناختی، از قبیل هوش، عواطف، تحصیلات و نگرش‌ها، در ضمن ملاک کفویت قرار می‌گیرد. زیرا این امور در پیوند دو نفر، استحکام و استمرار پیوند آن‌ها بسیار اثرگذار است. البته تشابه در این امور مانند ملاک کفویت، امری نسبی است و صرف نبود یا نقص در آن‌ها فرد را فاقد شرایط لازم نمی‌کند. در این مورد، باید شرایط زمانی و مکانی و شخصیت افراد داوطلب ازدواج در نظر گرفته شود. بدیهی است هرچه تشابه بیشتر باشد، فرد مورد نظر از شرایط بهتری برخوردار خواهد بود.

در میان صفات نسبی، مهمترینشان توجه به همسانی و تشابه زن و مرد است که از میان آن‌ها جنبه‌های روان‌شناختی افراد که در سازگاری و رضایت زناشویی بیشتر مؤثر است، باید ترجیح داده شود. این موارد عبارتند از: رفتار و شیوه ی برخورد در خانواده، نگرش‌های مربوط به زندگی خانوادگی، مانند فرزندپروری، مهار و تعدیل عواطف. در فرآیند گزینش همسر، پس از شناخت ملاک‌های لازم، تطبیق آن‌ها بر فرد مورد نظر، امری مهم و

بسیار دشوار است. به طور کلی دو اصل مهم در فرآیند گزینش همسر، باید رعایت شود:

اول؛ شناخت شرایط لازم و سایر ویژگی های همسر مناسب و در مقابل صفات، حالات و رفتارهای مخل زندگی زناشویی خشنودکننده.

دوم؛ سعی در کسب اطلاعات لازم و کافی از فرد داوطلب ازدواج. بدین منظور با تحقیق در مورد ویژگی های فرد مورد نظر از محل تحصیل، کار و زندگی و در مورد خانواده او، از بخش مهمی از شخصیت فرد می توان اطلاع یافت. به علاوه، با برگزاری چند جلسه ملاقات و توجه به گفتار و سایر حالات غیر کلامی فرد، اطلاعات لازم برای تصمیم گیری به دست خواهد آمد. به نظر می رسد، هر چه دختر و پسر در فرآیند گزینش همسر به این دو اصل بیشتر پایبند باشند، انتخاب آن ها مناسب تر خواهد بود.

آن چه در مورد ملاک های ازدواج گفته شد، مبتنی بر جهان بینی اسلام است. از آن جا که اسلام، تأمین نیازهای عاطفی و جنسی، تولید و پرورش فرزندان صالح، حفظ افراد از آلودگی ها و تکامل اخلاقی و معنوی را از اهداف اساسی ازدواج می داند، ملاک های همسر مناسب را نیز در راستای تأمین همین اهداف در نظر می گیرد. از این رو، فردی که جهان بینی مادی دارد یا از باورهای دینی ضعیف برخوردار است، ممکن است، ملاک های مادی از جمله جذابیت ظاهری و شرایط اقتصادی را به عنوان اصلی ترین معیارها قرار دهد.

همچنین، اهدافی که برای ازدواج بیان شد، مربوط به غالب ازدواج ها، به ویژه ازدواج اول افراد است. تعداد اندکی از ازدواج ها نیز ممکن است، برای تأمین برخی اهداف دیگر صورت پذیرد. مثلاً فردی که همسر خود را از دست داده و دارای چند فرزند است، در ازدواج دوم دیگر توجهی به باروری فرد ندارد و ممکن است با فردی نابارور ازدواج کند و نیز در ازدواج هایی که گاه اهدافی کوتاه مدت برای آن ها در نظر گرفته شده، فقط به ملاک هایی مطلق و ضروری توجه می شود.

فهرست منابع:

«قرآن کریم»، ترجمه محمد فولادوند، دارالقرآن کریم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1373.
آذربایجانی، مسعود و دیگران: «روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی»، پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، 1382.
الحراملی، محمد بن الحسن: «وسائل الشیعه»، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، 1991.

ساروخانی، باقر: «جامعه شناسی خانواده»، تهران، سروش، 1370.
سیوطی، جلال الدین: «الدرّ المنثور»، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، 1404 ق.
صدیق اورعی، غلامرضا: «جامعه شناسی مسائل اجتماعی جوانان»، جهاد دانشگاهی مشهد، 1374.
طباطبایی، محمدحسین: «تفسیر المیزان»، قم، جامعه مدرسین، 1374.
طبرسی، حسن بن فضل: «مکارم الاخلاق»، بیروت، دارالحوراء، 1408 ق.
فرید، مرتضی: «الحديث روايات تربیتی»، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1371.
قمی، شیخ عباس: «منتهی الآمال»، تهران، انتشارات هجرت، 1370.
کلینی رازی، محمد بن یعقوب: «الکافی»، بیروت، دارالاضواء، 1992 م.
المتقی الهندی: «کنز العمال»، بیروت، مؤسسه الرساله، 1409 ق.

مجلسی، محمدباقر: «بحارالانوار»، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1983م.
 محمدی ری شهری، محمد: «میزان الحکمة»، محمد رضا شیخی، دارالحدیث، 1379.
 مزلو، ابراهام: «انگیزش و شخصیت»، احمد رضوانی، نشر آستان قدس رضوی، 1367.
 مطهری، مرتضی: «شناخت»، تهران، صدرا، 1367.
 مطهری، مرتضی: «مجموعه آثار»، تهران، صدرا، 1378.
 معلمی، حسن: «مبانی اخلاق در فلسفه غرب و فلسفه اسلامی»، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، 1380.
 نجفی، محمد حسن: «الجواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام»، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1362.
 نوری طبرسی، حسین: «مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل»، بیروت: آل البيت لاحیاء التراث العربی، 1988م.
 : «ارزش ها و نگرش های ایرانیان، موج دوم»، وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی، 1381.
 Mendelson.E.M. "World view" International Encyclopedia of The Social Sciences. 1968 ?

پی نوشت ها :

* - دانش آموخته سطح چهار حوزه، کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.

[1] - Mendelson

[2] - «افحسبتم انّما خلقناکم عبثاً...»، (مؤمنون، 115).

[3] - «... انا لله و انا الیه راجعون»، (بقره، 156).

[4] - «... ما هی الاّ حیاتنا الدنیا نموت و نحیی و ما یهلکنا الاّ الدهر...»، (جاثیه، 24).

[5] - «السلم الطرفین...»، هرچند این روایت در مورد مردان است، ولی مسئولیت های اداره خانه و فرزندان و تأمین نیازهای عاطفی همسر، این ویژگی را در زن نیز حائز اهمیت می کند و «انّ خیر نسائکم الولود...» (حر عاملی، 1991: ج14، ص14).

[6] - «تزوّجوا الابرار فانّهنّ اطیب شیئاً افواها»، (همان، صص 34 ؛ 20).

[7] - «... امرأة ذات دین و جمال»، (نوری طبرسی، 1988م: ج14، ص169)؛ «انظر الی وجهها و کفّیتها»،

(همان، ص214)؛ «خیر نساء امتی اصحهنّ وجهاً»، (حرعاملی، 1991: ج14، ص78).

[8] - «... و ینظر الی خلفها...»، (همان، ص59 ؛ مجلسی، 1983: ج100، ص231).

[9] - «اذا ارادکم احدکم ان یتزوّج امرأة فلیسأل عن شعرها کما یسأل عن وجهها فان الشعر احد الجمالین»، (همان، ص237).

[10] - (حجرات، 13؛ کلینی رازی، 1992: ج5، ص344). در مورد ازدواج مقدار با یکی از دختران عبدالمطلب. در آیه 221 سوره مبارکه بقره، عبارت «ولو اعجبتکم» نشان می دهد که صرف زیبایی نمی تواند ملاک محسوب شود و باید با توجه به ملاک های دیگر در نظر گرفته شود.

[11] - «ایاکم و تزویج الحمقاء، فانّ صحبتها ضیاع و ولدها ضباع»، (مجلسی، 1983: ج100، ص237) ؛ «و خیرالجواری ما کان لها عقل و ادب فلست تحتاج الی ان تأمر و تنهی»، (حر عاملی، 1991: ج14، ص13).

- [12] - «الذليلة مع بعلها...»، (همان، ص14). اين تعبير مانند اذلة على المؤمنين (مؤمنين، 54)، به معنای تواضع است. بنابراین، برخورداری از روحیه ی تواضع در مقابل شوهر، از صفات همسر مناسب محسوب می شود.
- [13] - «الهيئة اللينة...»، (همان، ص 15).
- [14] - «... اذا غاب عنها حفظته في نفسه و ماله»، (همان، ص22).
- [15] - عن النبي (ص): «خير النساء اذا أعطيت شكرت و اذا حرمت صبرت»؛ «لا ينظر الله الى امرأة لا تشكر لزوجها و هي لا تستغنى عنها»، (سيوطي، 1404ق: ج1، ص 152).
- [16] - «... الطفهنّ بازواجهنّ و ارحمهنّ باولادهنّ...»؛ «... احنى على ولد...»، (حر عاملی، 1991: ج14، ص20).
- [17] - «المتبرجة مع زوجها الحصان على غيره... و اذا خلا بها بذلت له ما يريد منها»، (همان، ص4).
- [18] - «الطيبة الطبيخ المقتصدة القليلة لمهر»، (همان، ص13).
- [19] - همان؛ «من بركة المرأة خفة مؤونتها»، (مجلسی، 1983م: ج100، ص231).
- [20] - «... تعين زوجها على دهره و تساعده على دنياه و لا تعين الدهر»، (طبرسی، 1408ق: ص199)؛ «... زوجة صالحة تعينه على امر الدنيا و الاخرة»، (مجلسی، 1983م: ج100، ص238).
- [21] - «لامة مؤمنة خير من مشركة»، (بقره، 221).
- [22] - «عليك بذوات الدين تربت يداك»، (حرعاملی، 1991م: ج14، ص22)؛ «ما افاد رجل بعد الايمان خير من امرأة ذات دين و جمال»، (طبرسی نوری، 1988م: ج14، ص161).
- [23] - «لى زوجة اذا رأتنى مهموماً قالت لى ما يهّمك ان كنت تهتمّ لرزقك فقد تكفل لك به غيرك... فقال رسول (ص) هذه من عمّاله (الله) لها نصف اجر الشهيد»، (حرعاملی، 1991م: ج14، ص17).
- [24] - «انّ من شرّ نسائك... التى لا تتورّع من قبيح...»، (مجلسی، 1983م: ج100، ص235).
- [25] - «خير للنساء ان لايرين الرجال و لا يراهنّ الرجال»، (حرعاملی، 1991م: ج14، ص43)؛ «ان من خير نسائكم... الستيرة...»، (مجلسی، 1983م: ج100، ص235)؛ «خير نسائكم... العفيفة فى فرجها»، (همان، ص237).
- [26] - «لا يتزوّج المؤمن ناصبة و لا يتزوّج الناصب مؤمنة»، (همان، ص 378).
- [27] - «ایاکم و نکاح الزنج فانّه خلق مشوّة»، (همان، ص236).
- [28] - «من تزوّج لله و لصلة الرحم توجّه الله بتاج الملك»، (حرعاملی، 1991م: ج14، ص31)؛ در سیره ائمه (ع) نیز ازدواج با خویشان، زیاد دیده می شود.
- [29] - «لا تنكحوا القرابة القريبة فان الولد يخلق منادياً»، (فريد، 1371: ج1، ص184)؛ عن رسول الله (ص) قال: «اغتربوا و لا تضربوا»، (همان).
- [30] - «تخيّروا لنطفكم فان النساء يلدن اشباه اخوانهنّ و اخوانهنّ»، (محمدي رى شهرى، 1379: ج5).
- [31] - «... ایاکم و خضراء الدّمن ... المرأة الحسناء فى منبت السوء»، (حرعاملی، 1991م: ج14، ص19).
- [32] - «اختاروا لنطفكم فان الخال احد الضجيعن»، (همان، ص29)؛ «تزوّجوا فى الحجر الصالح فانّ العرق دسّاس»، (محمدي رى شهرى، 1379: ح 7848).
- [33] - «خير نسائکم... الغريزة فى اهلها»، (حرعاملی، 1991م: ج14، ص14).
- [34] - «... لا تزوّجها الاّ ممّن هو على رأيها»، (مجلسی، 1983م: ج100، ص378)؛ «تزوّجوا فى الشّکاک و لا

تزوّجوه، لأنّ المرأة تأخذ من ادب الرّجل و يقرّها على دينه»، (همان، ص377)؛ «لا يتزوج المستضعف مؤمنه»، (همان، ص378).

[35] - «لا تزوّجه ان كان سيّ الخلق»، (حرعاملی، 1991م: ج14، ص54).

[36] - «التّقّي النقيّ...»، (همان، ص 18) ؛ «زوجها ممن يتّقى الله فان احبها اكرمها و ان ابغضها لم يظلمها»، (فريد، 1371: ج1، ص177).

[37] - «الزانی لا ینکح الاّ زانية او مشرکة و الزانية لا ینکحها الاّ زان او مشرک و حرّم ذلك على المؤمنین»، (نور، 3).

[38] - «لا يتزوّج شارب خمر فانّ من فعل فكأنّما قادها الى الزنا»، (مجلسی، 1983م: ج100، ص372).

[39] - «... عنده يسار»، (حرعاملی، 1991م: ج14، ص52).

[40] - (مجلسی، 1983م: ج22، ص265) ؛ «ان خطب اليک رجل رضیت دينه و خلّقه و فزوّجه و لا یمنعک فقره وفاقته...»، (همان، ج100، ص379).

[41] - «... السّمح الکفّین... لا یلجّی عیاله الى غیره... ان من شرّ رجالکم البهّات البخیل الفاحش، الآکل وحده... الملجی، عیاله الى غیره...»، (همان، ص18).

[42] - «ان من خیر رجالکم... البرّ بوالديه... ان من شرّ رجالکم... العاقّ بوالديه»، (همان، ج 14، ص18).

[43] - «انکحوا الکفاء وانکحوا فیهم و اختاروا لنطفکم»، (همان، ص29).

[44] - «المؤمن کفو المؤمنة و المسلم کفو المسلمة»، (همان، ص44).

[45] - ازدواج جویبر که مردی فقیر و فاقد زیبایی های ظاهری و از سیاهان سودان بود، با دختری از اشراف عرب به نام ذلفا به تشویق پیامبر (ص) روی داد و برای نفی ملاک های قومی و طبقاتی بود. (همان).

[46] - «لولا انّ الله خلق فاطمه لعليّ ما کان لها على وجه الارض کفو آدم فمن دونه»، (همان، ص49).

[47] - «المؤمنون بعضهم اکفاء بعض»، (همان).

[48] - «الطّیبات للطّیّین و الطّیّون للطّیّات...»، (نور، 26)

[49] - «... و علیک بذات الدّین...»، (حرعاملی، 1991م: ج14، ص30، روایات 22، 21، 17، 15 و 14).

[50] - «فان علمتموهنّ مؤمنات فلا ترجعوهنّ الى الکفار لأهنّ حلّ لهم و لا هم یحلّون لهنّ... و لا تمسکوا بعصم الکوافر...»، (ممتحنه، 10).

[51] - «زوّجها من رجل تقیّ فان احبّها اكرمها و ان ابغضها لم یظلمها».

[52] - «الزانی لا ینکح الاّ زانية او مشرکة و الزانية لا ینکحها الاّ زان او مشرک و حرّم ذلك على المؤمنین»، (نور، 3).

[53] - «لا يتزوّج شارب خمر فانّ من فعل فكأنّما قادها الى الزّنا»، (همان: ج100، ص372).

[54] - «من زوّج کریمته من فاسق نزل علیه کل يوم لعنة»، (نوری طبرسی، 1988م: ج14، ص191).

[55] - «قیل للصادق (ع) ما حدّ حسن الخلق؟ قال: تلین جانبک و تطیب کلامک و تلقی اخاک ببشر حسن»، (مجلسی، 1983م: ج71، ص171).

[56] - «حسن خلق یعیش به فی الناس»، (همان، ج 69، ص 404) ؛ «حسن خلق یداری به الناس»، (همان، ص408).

[57] - «اصناف لا یستحاب دعاؤهم رجل تؤذیه امراته بکل ما تقدّر علیه... یقول له... فان شئت خلّیتها و ان شئت اسکنها»، (همان: ج100، ص224).

[58] - «من صبر على خلق امرأة سیئة الخلق و احتسب فی ذلك الاجر اعطاه الله ثواب الشاکرین فی الاخرة».

- (همان، ص244)؛ «من صبرت على سوء خلق زوجها اعطاها مثل (ثواب) آسية بنت مزاحم»، (همان، ص247).
- [59] - «اربع من كن فيه كمل اسلامه... و حسن خلقه مع اهله»، (همان: ج75، ص93).
- [60] - «ان اكمل المؤمنين ايماناً احسنهم خلقاً»، (همان: ج71، ص373).
- [61] - «خياركم، خياركم لنسائه»، (امالی طوسی به نقل از همان، ص39).
- [62] - برخی از این نقص ها در قانون مدنی مواد 1120-1125 مطرح شده است.
- [63] - «اذا جائكم من ترضون خلقه و دینه فرّوجوه الّا تفعلوه تكن فتنة في الارض و فساد كبير»، (حر عاملی، 1991م: ج14، ص51). این حدیث از رسول خدا (ص) و امام باقر (ع) به طرق مختلفی نقل شده است.
- [64] - «ان الله جميل و يحب الجمال...»، (المتقى الهندی، 1409ق: ح17166).
- [65] - پیامبر اکرم (ص) فرمود: «اطلبوا الخير عند حسان الوجوه فان افعالهم احرى ان يكون حسناً»، (مجلسی، 1983م: ج74، ص187).
- [66] - «تزوّج الّتی هویّت و دع الّتی هوی ابواک»، (همان: ج100، ص235).
- [67] - «النساء یحببن ان یرین الرجال فی مثل ما یحب الرجال این یری فیہ النساء من الزینة»، (همان، ج76، ص101).
- [68] - «خير الجوارى ما كان لك فيها هوى و كان لها عقل و ادب»، (حرعاملی، 1991م: ج14، ص13).
- [69] - «و من آیاته ان خلق لكم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودة و رحمة»، (روم، 21).
- [70] - (همان)؛ «زوجة سالحة تعاونه و یحصن لها فرجه»، (حرعاملی، 1991م: ج14، ص21)؛ «امراة سالحة اذا رآها سرّته و اذا اقسام علیها ابرّته» (همان، ص22 و روایات صص 22-24، همان: ج14).
- [71] - «اینظر الرجل الی المرأة یرید تزویجها فینظر الی شعرها و محاسنها؟ قال لا بأس بذلك اذا لم یکن متلذّذاً»، (همان، ج14، ص60؛ همه روایات باب 36، صص 59-61).
- [72] - «الرجل یرید ان یتزوج المرأة یجوز له ان ینظر الیها؟ قال نعم و ترقّق له الثیاب لانه یرید ان یشتریها باغلی الثمن»، (همان، ص61).
- [73] - «انّه قال للمغیره بن شعبه و قد خطب امراة: لو نظرت الیها فانه احوى ان یدوم بینکما»، (همان، ص61).
- [74] - «تزوّجوا بکرا ولوداً و لا تزوّجوا حسناء جمیلة عاقراً فانی ابا هی بکم الامم یوم القیامه»، (همان: ج14، ص33).
- [75] - «من تزوّجها لجمالها رأى فیها ما یکره» و «من تزوج امراة لا یتزوجها الا لجمالها لم یر فیها ما یحب»، (همان، ص31).
- [76] - «تزوّج سواء ولوداً فانی مکاثر بکم الامم ... ما السواء قال القبیحة»، (همان، ص33).
- [77] - «یا نبیّ الله ان لی ابنة عم قد رضیت جمالها و حسنها و دینها و لکنّها عاقر فقال لا تزوّجها»، (همان).
- [78] - «اذا تزوّجها لدینها رزقه الله المال و الجمال»، (همان، ص30).
- [79] - «الکفو ان یکون عقیفاً و عنده یسار»، (مجلسی، 1983م: ج100، ص372).
- [80] - برای نمونه، ازدواج با همسران پیامبر(ص) پس از رحلت ایشان ممنوع اعلام شد. (احزاب، 53) همچنین فقط برای پیامبر(ص) جایز بود که نه همسر دائم داشته باشد یا اگر زنی خود را به پیامبر(ص) می بخشید، مانند همسر ایشان محسوب می شد. (احزاب، 50)
- [81] - به عنوان نمونه، می توان به این آیه شریفه اشاره کرد: «وانکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم و

امائکم»، (نور، 32).

[82] - «و من لم يستطع منكم طويلاً ان ينكح المحصنات المؤمنات فمن ما ملكت ايما نكم من فتيانكم المؤمنات»، (نساء، 25).

[83] - «يا ايّها الناس انا خلقناكم من ذكر و انثى و جعلناكم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اكرمكم عند الله اتقيكم»، (حجرات، 13).

[84] - «ان خطب اليك رجل رضيت دينه و خلقه فزوجه و لا يمنعك فقره و فاقتة»، (مجلسی، 1983م: ج100، ص379).

[85] - مانند ازدواج امام سجاد (ع) با كنيزها و تزويج پيامبر (ص) دختر عمه خود را به خدمتكارش. (نك. همان، ص374).